

## Examining the Concepts of Identity and Discrimination from an Intersectionality Perspective in the Characterization of Lynn Nottage's Play *Sweat*<sup>1</sup>

Rezvan Rostamzadeh<sup>2</sup>, Narges Yazdi<sup>3</sup>

Receive Date: 25 May 2024, Accept Date: 14 September 2024

Doi: 10.22034/theater.2024.459319.1067

### Abstract

Intersectionality is a theoretical and practical framework that has its roots in critical race studies and feminist studies and is now widely used in various fields, including drama analysis. This theory reminds us that individuals' identities are not constructed from a single identity marker but rather from a combination of various factors such as gender, race, and social class. The interaction and mutual influence of these factors can sometimes lead to the formation of intersectional discriminations in an unequal society, which is a unique experience. Intersectionality, as an approach in drama analysis, provides a lens to see the representation of characters with multiple identities amidst these intertwined discriminations. The present study, using a descriptive-analytical method, seeks to answer the question of how the concepts of identity and intersectional discrimination are addressed in the characterization of the play "*Sweat*." The findings of this research reveal that Lynn Nottage, in the play "*Sweat*," has tried to portray multiple identities of workers in a declining society and the intertwined discriminations associated with these identities through intersectional characterization and highlighting the interaction and mutual influence of various types of discrimination, such as gender, racial, and economic discrimination. She has also reflected on the role of power, both within and across domains of power, in shaping these discriminations. Determining the social contexts with measures such as mentioning documented news and events that have made it possible to relate the presentation of social inequality in a specific society is another feature of this complex and profound play. Inequality that is not caused by a single factor but is shaped by multiple factors. The necessity of social justice is also highlighted by showing the consequences of neglecting marginalized characters,

---

1. This article is extracted from Rezvan Rostamzadeh's master thesis, titled 'Analyzing the Concepts of Identity and Discrimination from the Perspective of Intersectionality in Characterization of Lynn Nottage's play "*Sweat*". The thesis was supervised by Dr. Narges Yazdi at Farabi International Campus of Iran University of Art, Tehran, Iran.

2. PhD Candidate of Theater Studies, Department of Theater, Faculty of Cinema and Theater, Iran University of Art, Tehran, Iran. Email: r.rostamzadeh@student.art.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Theater, Faculty of Cinema and Theater, Iran University of Art, Tehran, Iran. Email: n.yazdi@art.ac.ir

# بررسی مفاهیم هویت و تبعیض از منظر اینترسکشنلیتی در شخصیت‌پردازی نمایشنامه عرق اثر لین ناتج<sup>۱</sup>

رضوان رستم‌زاده<sup>۲</sup>، نرگس یزدی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴

صفحه ۷۵ تا ۹۱

Doi: 10.22034/theater.2024.459319.1067

## چکیده

اینترسکشنلیتی نظریه و رهیافتی عملی است که از یک سو در مطالعات انتقادی نژاد و از سوی دیگر در مطالعات فمینیستی ریشه دارد و اکنون به‌طور گسترده در رشته‌های مختلف از جمله تحلیل درام به کار گرفته می‌شود. این نظریه به ما یادآوری می‌کند که هویت افراد فقط از یک شاخصه هویتی ساخته نمی‌شود، بلکه از مجموعه‌ای از عوامل مختلف نظیر جنسیت، نژاد و طبقه اجتماعی شکل می‌گیرد که گاهی تعامل و تأثیرپذیری متقابل این عوامل می‌تواند در جامعه‌ای نابرابر به شکل‌گیری تبعیض‌های اینترسکشنلی منجر شود که تجربه‌ای منحصربه‌فرد به شمار می‌رود. اینترسکشنلیتی به‌عنوان رویکردی در تحلیل درام لنزی برای درک بازنمایی شخصیت‌ها با هویت‌های چندگانه در میان تبعیض‌های درهم‌تنیده فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش برآمده است که مفاهیم هویت و تبعیض اینترسکشنل در شخصیت‌پردازی نمایشنامه عرق چگونه نمود می‌یابد؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد لین ناتج در نمایشنامه عرق با شخصیت‌پردازی اینترسکشنل و با برجسته کردن تعامل و تأثیر متقابل انواع تبعیض نظیر تبعیض‌های جنسیتی، نژادی و اقتصادی در بازنمایی هویت‌های چندگانه کارگران جامعه‌ای روبه‌زوال و تبعیض‌های درهم‌تنیده مرتبط با این هویت‌ها کوشیده است، نیز نقش قدرت را در شکل‌گیری این تبعیض‌ها درون حوزه‌های درهم‌تنیده آن منعکس کرده است. تعیین زمینه‌های اجتماعی با تمهیداتی نظیر ذکر اخبار و وقایع مستند که ارائه نابرابری اجتماعی را به شکلی رابطه‌مند در جامعه‌ای مشخص ممکن کرده از ویژگی‌های دیگر این نمایشنامه پیچیده و عمیق است؛ نابرابری که نه ناشی از عاملی منفرد بلکه شکل‌گرفته از عوامل متعدد است. ضرورت عدالت اجتماعی نیز از طریق نشان‌دادن پیامدهای نادیده‌انگاری شخصیت‌های حاشیه‌نشین به‌ویژه در ارتباط دیگر شخصیت‌ها با اسکار و عاقبت استن برجسته می‌شود و همه این موارد از موضوعات محوری در نظریه اینترسکشنلیتی به شمار می‌رود.

**واژگان کلیدی:** اینترسکشنلیتی، هویت، تبعیض، شخصیت‌پردازی، لین ناتج، عرق

۱. این مقاله برگرفته از پروژه پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای رضوان رستم‌زاده، با عنوان «بررسی مفاهیم هویت و تبعیض از منظر اینترسکشنلیتی در شخصیت‌پردازی در گزیده‌ای از نمایشنامه‌های لین ناتج» در رشته ادبیات نمایشی است که در پردیس بین‌المللی فارابی دانشگاه هنر ایران با راهنمایی نرگس یزدی، در بهمن ۱۴۰۲ دفاع شده است.

۲. دانشجوی دکتری مطالعات تئاتر، دانشکده سینما و تئاتر، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران. Email: r.rostamzadeh@student.art.ac.ir  
۳. استادیار گروه تئاتر، دانشکده سینما و تئاتر، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Email: n.yazdi@art.ac.ir

## درآمد

## بیان مسئله

تبعیض علیه زنان یکی از موضوعات مهمی است که در قرن نوزدهم پس از جریان‌های آگاهی‌بخش فمینیستی مورد توجه بسیاری از نمایشنامه‌نویسان و به خصوص زنان درام‌نویس قرار گرفت. با این حال پرورش آگاهی در زنان رنگین‌پوست در گذر زمان مجدداً توجه را به این تبعیض‌های جنسیتی در اواخر قرن بیستم معطوف کرد. جریان‌های موسوم به فمینیسم سیاه<sup>۱</sup> در موج سوم فمینیسم معتقد بودند جامعه فمینیستی حاضر تنها به زنان سفیدپوست تعلق دارد و در این مبارزه نژاد آنها و تجربه متفاوت ایشان از تبعیض‌های موجود لحاظ نشده است. افزایش تنش‌ها و بحث‌ها حول این موضوع به شکل‌گیری نظریه‌ای منجر شد و فعال حقوق مدنی آمریکایی و پژوهشگر حوزه حقوق انتقادی نژاد<sup>۲</sup>، کیمیرلی ویلیامز کرنشاو<sup>۳</sup> (۱۹۵۹- تاکنون) در سال ۱۹۸۹ اصطلاح «اینترسکشنلیتی»<sup>۴</sup> را برای ارجاع به تجربه این زنان حاشیه‌نشین برگزید.

به‌طورکلی اینترسکشنلیتی نظریه و رهیافتی عملی است که بر تجربه‌های متفاوت و منحصربه‌فرد انسان‌ها در جمع‌های به‌ظاهر همگن و یکدست تأکید می‌کند و این نکته را با مطالعه این مسئله نشان می‌دهد که تجربه فردی از تبعیض را نه یک شاخصه منفرد هویتی بلکه تلاقی‌ای از شاخصه‌های هویتی نظیر جنسیت، نژاد، طبقه و... شکل می‌دهد. واضح است اولین کسانی که اینترسکشنلیتی را به‌خوبی درک کردند، آنهایی بودند که در بخش‌های مختلف جامعه این نظریه را زیست می‌کردند و در محل بحث ما یعنی حوزه درام نیز نسبت به آن واکنش داشتند.

لین ناتج<sup>۵</sup> نویسنده آمریکایی آفریقایی‌تبار و نیز تنها زنی است که توانسته برای دو اثر تبار<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) و عرق<sup>۷</sup> (۲۰۱۵) جایزه پولیتزر<sup>۸</sup> را از آن خود کند. در عرق می‌توان توجه او

به تبعیض‌های اینترسکشنل را پیرامون شخصیت‌های متفاوت از لحاظ هویت‌های جنسیتی و نژادی جست‌وجو کرد. استفاده از اینترسکشنلیتی به‌عنوان رویکردی در تحلیل درام ابزار مناسبی برای تحلیل تعامل و تأثیر متقابل این شاخصه‌های هویتی درهم‌تنیده در شکل‌دادن تبعیض‌ها و تجربه‌های منحصربه‌فرد فراهم می‌آورد. همچنین جذب ایده‌های اینترسکشنلیتی می‌تواند برای نگارش و داشتن بازنمایی حقیقی از هویت‌های اینترسکشنل افراد جامعه و به خصوص جوامع اقلیت سودمند باشد. نظریه‌ای که با نگاه دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر به شرایط افراد جامعه درنهایت به دنبال خدمت به ارزش‌های معتبری نظیر عدالت در جامعه است.

در پژوهش حاضر ابتدا اینترسکشنلیتی و تاریخچه و نحوه شکل‌گیری این نظریه به‌اختصار مطرح شده و سپس نمایشنامه عرق با استفاده از این نظریه مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفته است. و پژوهشگر در پی پاسخ به این پرسش اصلی برآمده است که «چگونه مفاهیم هویت و تبعیض اینترسکشنل در شخصیت‌پردازی نمایشنامه عرق اثر لین ناتج تجلی می‌یابد؟»

## پیشینه پژوهش

اینترسکشنلیتی امروزه مفهومی است که به شکلی گسترده در پژوهش‌های دانشگاهی موضوع تحلیل قرار گرفته است و شهرت دانشگاهی، سیاسی و اجتماعی بسیاری پیدا کرده است. از همین رو مقالات و کتب زیادی به‌خصوص در سال‌های اخیر در رابطه با تبیین این نظریه نوشته شده است که در مبنای نظری پژوهش حاضر نیز برای فهم دقیق‌تر این نظریه از متون اصلی به زبان انگلیسی بهره برده شده است. در میان این پژوهش‌ها و در حوزه تحلیل درام از منظر اینترسکشنلیتی با پژوهش‌های محدودتری مواجه هستیم که دو مورد از آن بر حسب شباهت بیشتر به پژوهش حاضر در

ادامه ذکر شده است:

دیوید بی اسمیث<sup>۹</sup> در مقاله تطبیقی «اینترسکشنلیتی در درام‌های مری بریل، آلیس چیلدرس و پرل کلیج»<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۴)، منتشر شده در کانتینویم جورنال<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۵) سه اثر از سه نمایشنامه‌نویس سیاه‌پوست را مورد بررسی قرار می‌دهد و آنها بر حسب مضامین از دریچه اینترسکشنلیتی مقایسه می‌کند. اسمیث معتقد است که اگرچه نویسندگان این آثار هرکدام به جنبه‌های متفاوتی از جامعه آفریقایی - آمریکایی پرداخته‌اند؛ ولی همه نمایشنامه‌ها تصورات تحقیرآمیز درباره زنان سیاه‌پوست را با به تصویر کشیدن شخصیت‌هایی به چالش می‌کشند که با ستم‌های نژادی، جنسیتی و طبقاتی اینترسکشنلی روبه‌رو هستند.

پایان‌نامه دکترتوی تخصصی زبان انگلیسی ساناز بیات با عنوان «تحلیل الگوی شناختی در برگزیده نمایشنامه‌های لین ناتج» (۱۴۰۰) که پژوهشگر با استفاده از رویکرد بوطیقای شناختی و تکیه بر آرای ون دایک<sup>۱۲</sup> و پاتریک کولم هوگان<sup>۱۳</sup> بر آن است تا با بررسی تحولات الگوهای شناختی در جهان خواننده، جهان تخیلی آثار، و تجربه جهانی نویسنده، در ساخت بینش ما نسبت به آثار نویسنده کمک کند. نمایشنامه عرق و تباہ (با ترجمه ضبط‌شده پژوهشگر: ویرانگر) و ملاقات اتفاقی با ورا استارک<sup>۱۴</sup> نمونه‌های موردی این پژوهش هستند.

### روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و شیوه دستیابی به اطلاعات موضوع مورد بحث از طریق کتب و مقالات مربوط به نظریه اینترسکشنلیتی و همچنین منابع معتبر اینترنتی است. پس از آن مطالعه مفاهیم هویت و تبعیض اینترسکشنل در عرق و چگونگی شخصیت‌پردازی ناتج برای بازنمایی این هویت‌ها و تبعیض‌ها در دستور کار این پژوهش بوده است.

### چارچوب نظری

#### اینترسکشنلیتی و کیمبرلی ویلیامز کرنشاو<sup>۱۵</sup>

اصطلاح اینترسکشنلیتی را برای اولین بار کیمبرلی ویلیامز کرنشاو (۱۹۵۹- تاکنون) در مقاله خود با عنوان «حاشیه‌زدایی از اینترسکشن نژاد و جنسیت: نقد فمینیست سیاه‌پوست از دکترین نظریه ضد تبعیض، نظریه فمینیست و سیاست ضد نژادپرستی»<sup>۱۶</sup> (۱۹۸۹) ابداع کرد. کرنشاو در این مقاله با بررسی چند شکایت مختلف از زنان سیاه‌پوست که در دادگاه‌های آمریکایی به آن رسیدگی شده بود، نقص‌های رویکرد تک‌محور حقوقی به تبعیض را برای رسیدگی عادلانه قضایی به چالش کشید. هدف کرنشاو نور تاباندن به سایه ساختارهای سیستماتیک بود که در آن تجربه تبعیض منحصربه‌فرد زنان رنگین‌پوست از نژادپرستی و جنسیت‌گرایی را با تقلیل آن به تبعیض‌های فقط جنسیتی یا فقط نژادی به حاشیه و تاریکی می‌برد. کرنشاو برای ارجاع به این تجربه درهم‌تنیده از تبعیض که ماحصل تعامل چند هویت آسیب‌پذیر بود، اینترسکشنلیتی را به‌شکلی استعاری از پدیده تقاطع<sup>۱۷</sup> وام‌گرفت که در این تقاطع فرضی شلوغ هرکدام از جهت‌های ترافیک بیانگر یکی از تبعیض‌های جامعه است و زن رنگین‌پوست در محل تلاقی این تبعیض‌ها گرفتار آمده است (Crenshaw, 1989: 149).

کرنشاو پس از مقاله اولش در رابطه با اینترسکشنلیتی به‌منظور بسط و تبیین بیشتر نظریه خود در سطوح مختلف جامعه مقاله مهم دیگری یعنی «تعیین مرزها: اینترسکشنلیتی، سیاست‌های هویت و خشونت علیه زنان رنگین‌پوست»<sup>۱۸</sup> (۱۹۹۱) را نوشت تا راه‌های مختلفی که اینترسکشنل بودن نژاد و جنسیت در شکل‌دادن به جنبه‌های ساختاری، سیاسی و بازنمایی خشونت علیه زنان رنگین‌پوست (خشونت خانگی و تجاوز) نقش دارند را بررسی کند (Crenshaw, 1991).

در هر دو مقاله «حاشیه‌زدایی» و «تعیین

پاسخ به این پرسش ایده‌های اینترسکشنیلیتی از تلاش‌های فعالان و پژوهش‌گران فمینیست و زن‌باور از اقلیت‌های نژادی موسوم به فمینیسم موج سوم رشد کرد که ادعا می‌کردند پیش از این بسیاری از تحقیقات فمینیستی درباره زنان سفیدپوست، طبقه متوسط و تحصیل‌کرده متمرکز شده است و نگرشی جامع به موقعیت زنان باید با به رسمیت شناختن تلاقی‌های جنسیت با دیگر هویت‌های اجتماعی مهم مانند نژاد همراهی شود (Shields, 2008). در همین دوره است که زنان سیاه‌پوست آمریکایی سازمان‌های سیاسی خود را با نام «فمینیسم سیاه» و فمینیست‌های آمریکایی مکزیک، جنبش فمینیستی مستقل چیکانا<sup>۳۳</sup> را تشکیل می‌دهند (Collins and Bilge, 2016:43) و ایده‌های اینترسکشنیلیتی در متون کلیدی از این زنان ظاهر می‌شود.

از جمله مهم‌ترین این متون بیانیه فمینیست سیاه انجمن رودخانه کامباهی<sup>۳۴</sup> است که با انتشار در سال ۱۹۷۷ به شکلی ویژه در تاریخ اینترسکشنیلیتی ظهور و بروز می‌یابد. این بیانیه نشان می‌داد که چگونه تبعیض‌های نژادی، پدرسالاری و سرمایه‌داری به‌طور سیستماتیک برای زنان رنگین‌پوست درهم‌تنیده هست (Combahee River Collec- tive, 2022 [1977]). اهمیت بیانیه رودخانه کامباهی در قیاس با فعالیت‌های پیشین زنان رنگین‌پوست صرفاً درباره محتوای این بیانیه نیست؛ چراکه بسیاری از ایده‌های آن پیش از این نیز مطرح شده بودند. در انتشار این بیانیه زمینه‌های آن نظیر داشتن مخاطب بیشتر و قرار گرفتن در یک جنبش اجتماعی نیز مطرح است. صاحبان این بیانیه نه تنها جمعی از زنان سیاه‌پوست فمینیست بودند، بلکه تحلیل اینترسکشنیلیتی خود را در زمینه جنبش‌های اجتماعی برای رهایی از استعمار، جداسازی نژادی و فمینیسم توسعه دادند (Collins and Bilge, 2016:45).

مرزها»، کرنشاو کنشی دوسویه انجام داد: اشکال حاشیه‌نشین کردن موجود را که در گفتمان‌های نهادینه شده به روابط قدرت مشروعیت می‌بخشند (مانند قانون) را آشکار و سعی کرد آنها را از بین ببرد؛ و درعین حال، به‌وضوح نشان داد که چگونه گفتمان‌های مقاومت (مثل فمینیسم و ضدنژادپرستی) [با ارجح دانستن جنسیت یا نژاد در مبارزه خود] می‌توانند خود به مکان‌هایی برای تولید و مشروعیت بخشیدن به حاشیه‌نشینی تبدیل شوند (Carbado et al, 2013). با وجود اهمیت آثار کرنشاو و آنچه وی برای ارجاع به این تبعیض‌های اینترسکشنیلیتی انجام داد، ایده‌های نظریه اینترسکشنیلیتی خیلی قبل‌تر از مقاله‌های او نیز در جنبش‌های اجتماعی و فعالیت‌های نظری زنان رنگین‌پوست ظاهر شده بودند.

### پیش از اینترسکشنیلیتی

دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دهه‌های مهمی برای توسعه ایده‌های اصلی اینترسکشنیلیتی هستند. در محدوده محله‌ها و جوامع جدا شده از نظر نژادی و قومی در اواخر دهه ۱۹۶۰، زنان رنگین‌پوست در حال گفت‌وگو/تنش با جنبش‌های نظیر قدرت سپاهان<sup>۳۵</sup>، آزادی چیکانو<sup>۳۶</sup>، قدرت سرخپوستان<sup>۳۷</sup> و جنبش آسیای آمریکایی<sup>۳۸</sup> بودند. در این جنبش‌ها، زنان رنگین‌پوست معمولاً تحت سلطه مردان بودند، اما همچنان در این مبارزه با عنوانی برابر با مردان یکسان قلمداد می‌شدند. زنان رنگین‌پوست دریافتند که این برابری ظاهری، با توجه به مشکلاتی که آنها به واسطه جنسیت‌شان از جداسازی نژادی و طبقاتی تجربه می‌کردند، ناکامل و غیرواقعی است (Collins and Bilge, 2016:42).

از سوی دیگر هنگامی که جریان دوم فمینیسم در اوایل دهه ۱۹۷۰ به تجربیات زنان توجه کرد پس از گذشت زمان پرسشی را نیز با خود به منصفه ظهور آورد: «تجربه کدام زنان؟» در

سیاسی خاص، رویدادهای گذشته را شکل داده‌اند و بر آنچه اکنون فکر می‌کنیم و انجام می‌دهیم تأثیر می‌گذارند. هویت‌ها در محیط‌های اجتماعی مختلف به شکل متفاوتی عمل می‌کنند.

- **پیچیدگی:** نابرابری اجتماعی، قدرت، رابطه‌مندی و زمینه اجتماعی درهم‌تنیده هستند و پیچیدگی را به تحلیل اینترسکشنیلیتی وارد می‌کنند.

- **عدالت اجتماعی:** رد ابعاد دانشی که منجر به اثره‌انگاری<sup>۲۹</sup>، کالابی‌سازی<sup>۳۰</sup> و استثمار هر گروهی می‌شود (Collins and Bilge, 2016:16-20).

همچنین به باور کالینز و بیلج «اینترسکشنیلیتی رویکردی برای درک، تجزیه و تحلیل پیچیدگی در جهان، در انسان‌ها و در تجربیات انسانی است. رویدادها و شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی و همچنین خود انسان‌ها به ندرت می‌توانند تحت تأثیر یک عامل درک شوند چراکه آنها عموماً از عناصر مختلف و با تأثیر متقابل این متغیرها بر یکدیگر شکل می‌گیرند. وقتی به مسائل نابرابری اجتماعی در زندگی افراد و سازمان‌دهی قدرت در جامعه‌ای مشخص می‌پردازیم، زمانی به درک بهتری از نابرابری می‌رسیم که آن را در نتیجه یک محور از تقسیمات اجتماعی نظیر نژاد، جنسیت یا طبقه در نظر بگیریم بلکه تحت تأثیر تعدادی از محورها درک‌شان کنیم که با هم کار می‌کنند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اینترسکشنیلیتی به‌عنوان یک ابزار تحلیلی به افراد این امکان را می‌دهد که به بهترین شکل به پیچیدگی جهان و خودشان دسترسی یابند» (Collins and Bilge, 2016:1).

#### **اینترسکشنیلیتی: رویکردی برای تحلیل درام**

پیدا کردن رویکردی مدون برای اعمال اینترسکشنیلیتی در مطالعه درام آسان نیست. با این‌حال، در محدود پیشنهادها حاضر مورین کنتاف<sup>۳۱</sup> اینترسکشنیلیتی را رویکردی در

بنابراین، ریشه‌های اینترسکشنیلیتی از یک‌سو در مطالعات فمینیسم و از سوی دیگر در نظریه انتقادی نژاد است که پژوهشگران آن بر تجربه‌ای منحصر به فرد از تبعیض‌های درهم‌تنیده جنسیتی، نژادی و طبقاتی تأکید می‌کنند. با این حال نیاز بود تا این جنبش‌های اجتماعی و فعالیت‌های فردی برای تغییر وضع موجود و ایجاد اتحاد و ائتلافی مؤثر از باورهای زنان اقلیت که قرار بود به جنگ ساختارها و سیاست‌های تبعیض‌آمیز خرد و کلان جامعه خود بروند، حول ایده‌های واحد جمع شوند. ایده‌های فراگیر که به همه مشکلات زنان رنگین‌پوست اشاره کند، به تجربه‌های خاموش آنها صدا بخشد و بتواند چگونگی شکل‌گرفتن این نابرابری‌ها را روشن کند. به نظر می‌رسد این امر مهم تا حدود زیادی با ابداع نظریه اینترسکشنیلیتی و آثار الهام‌بخش کرنشاو رخ داد.

#### **اینترسکشنیلیتی: مفاهیم کلیدی**

پاتریشیا هیل کالینز<sup>۳۲</sup> و سیرما بیلج<sup>۳۳</sup> در کتاب *اینترسکشنیلیتی (مفاهیم کلیدی)* شش ایده اصلی را برای اینترسکشنیلیتی برشمرده‌اند که عبارت‌اند از:

- **نابرابری اجتماعی:** ریشه گرفته از فمینیسم سیاه، اینترسکشنیلیتی بر درک و ریشه‌کن کردن نابرابری اجتماعی تمرکز دارد و به ما نشان می‌دهد که این نابرابری به ندرت ناشی از یک عامل واحد است.

- **قدرت:** روابط قدرت از طریق ساخته شدن متقابل هویت‌های چندگانه<sup>۳۴</sup> و در حوزه‌های مختلف قدرت شکل می‌گیرد.

- **رابطه‌مندی:**<sup>۳۵</sup> اینترسکشنیلیتی تفکر دودویی «یا این یا آن» را رد می‌کند، مانند تقدم دادن نظریه بر عمل یا برعکس، پژوهش بر کنشگری و یا سفیدپوست بر سیاه‌پوست و به جای آن تفکر «هم این و هم آن» را پیشنهاد می‌کند.  
- **زمینه اجتماعی:** بسترهای تاریخی، فکری و

یافته‌های این جست‌وجو می‌تواند مشخص کند نمایشنامه‌نویس تا چه اندازه و چگونه توانسته به روایت تبعیض‌های شخصیت‌های نمایشی از لنزی اینترسکشنل نزدیک شود.

### ویژگی‌های اصلی آثار لین ناتج

لین ناتج (۱۹۶۴- تاکنون) نمایشنامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس مطرح آمریکایی آفریقایی است که در آثار خود همواره نگاهی ویژه به حاشیه‌نشینی و بی‌قدرت‌ان داشته است و چند سال فعالیت جدی سیاسی - اجتماعی در دفتر مطبوعاتی سازمان عفو بین‌الملل<sup>۳۳</sup> نیز شاهدهی بر علاقه و توجه وی به مسائل عدالت اجتماعی است. ناتج در سال ۲۰۱۱ دکترای خود در هنرهای زیبا را از دانشگاه براون<sup>۳۴</sup> گرفت و همچنین چند مدرک افتخاری دیگر را نیز از کالج‌های آلبرايت<sup>۳۵</sup> و جولیارد<sup>۳۶</sup> دریافت کرد. دو جایزه پولیتزر در مقام بهترین درام برای نمایشنامه‌های *تباه* و *عرق* و همچنین جایزه مک‌آرتور<sup>۳۷</sup>، جایزه گونهایم<sup>۳۸</sup> و ده‌ها جایزه معتبر دیگر از دستاوردهای او طی این سال‌ها به شمار می‌آید. ناتج اکنون استاد - تمام دانشکده تئاتر در دانشگاه هنر کلمبیاست<sup>۳۹</sup> و هم‌چنان آثار و نمایشنامه‌های او به‌شکلی گسترده در ایالت متحده و در سطح جهان تولید و اجرا می‌شوند (Knowles, 2016; "About", 2018).

گریستوفر بیگزبی<sup>۴۰</sup> در کتاب *نمایشنامه‌نویسان آمریکایی قرن بیست و یک*<sup>۴۱</sup> (۲۰۱۷) لین ناتج را نمایشنامه‌نویسی اجتماعی می‌خواند که دنبال‌کنندگان رویای آمریکایی را در آثار خود متوجه افراد حاشیه‌نشین کرده و تماشاگرهایش را از محیط امن بی‌خبری بیرون می‌کشد. بیگزبی ناتج را متأثر از این ایده می‌داند که هنر باید مکانی برای دگرگونی‌ها و دنبال کردن حقایق اجتماعی و عاطفی باشد (Bigsby, 2017). همچنین جولیان ال باکتر<sup>۴۲</sup> در مقدمه‌ای که بر کتاب *راهنمای انتقادی آثار لین ناتج*<sup>۴۳</sup> نوشته است هر یک از آثار او را روایت‌گر مبارزه‌ای

تحلیل ادبی معرفی می‌کند که دانشجویان را به بررسی چگونگی تعامل طیفی از شاخصه‌های هویتی مانند جنس، نژاد، ملیت، طبقه اقتصادی، جنسیت، سن، توانایی فیزیکی، بدنیت<sup>۴۴</sup>، نقش یا محیط در شکل دادن شخصیت دعوت می‌کند (Kentoff 2016). البته باید به این موضوع توجه داشت که چنین تعریفی از اینترسکشنلیتی بدون تأکید بر نقش روابط قدرت در شکل‌دهی دسته‌بندی‌های هویتی می‌تواند تحلیل اینترسکشنل را به توضیح و توصیف هویت‌های چندگانه تقلیل دهد. همچنین وندی ماری مارتین بر این باور است که پذیرفتن اینترسکشنلیتی به‌عنوان مبانی نظری برای تحلیل روایتی نمایشی می‌تواند استراتژی‌های جدیدتری را پیش‌روی پژوهشگر برای تبیین زیرمتن‌های نمایشنامه و آزاد کردن پتانسیل کامل روایت نمایشی فراهم کند (Martin, 2022).

به باور پژوهشگران حاضر نیز در نمایشنامه‌های مستند و شبه‌مستند نظیر نمونه موردی این پژوهش که نمایشنامه‌نویس برای بازنمایی جامعه‌ای حاشیه‌نشین تلاش می‌کند که در جهان واقعی خود آن با نظیر آن وجود دارد، تحلیل اینترسکشنل می‌تواند با همان تعاریف و ایده‌های اصلی برای تحلیل و ارزیابی این بازنمایی نمایشی ارائه شود. به همین منظور پژوهشگر در تحلیل درام می‌تواند هر بار که با تبعیضی مرتبط با هویت مواجه شد، متن نمایشی را برای وجود تبعیض‌های دیگر درهم‌تنیده و نقش قدرت در شکل‌دهی این تبعیض‌ها در سطوح و حوزه‌های مختلف اعمال آن جست‌وجو کند. مانند رویه‌ای که ماریا ماتسودا با «پرسیدن سؤال دیگر» پیشنهاد می‌کند: «وقتی چیزی را می‌بینم که نژادپرستانه به نظر می‌رسد می‌پرسم: در اینجا مردسالاری کجاست؟ وقتی چیزی را می‌بینم که جنسیت‌گرا به نظر می‌رسد [...] می‌پرسم: در اینجا منافع طبقاتی کجاست؟» (Matsuda 1990, 1189).

ایده‌هایی نظیر پیچیدگی و اهمیت تجربه شخصیت‌های حاشیه‌نشین و تلاش برای صدا بخشیدن و تغییر وضعیت آنها و همچنین درام‌های لایه‌داری که پذیرای تحلیل‌های چندسطحی هستند از جمله مواردی است که می‌توان در ارتباط با نظریه اینترسکشنلیتی برجسته نمود و در نمایشنامه انتخابی عرق نیز به‌وضوح این مضامین را جست‌وجو کرد.

### خلاصه‌ای از طرح نمایشنامه عرق

داستان بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸ روایت می‌شود. نمایشنامه در سال ۲۰۰۸ با جلسه‌ای بین یک افسر آزادی مشروط سیاه‌پوست، ایوان، و دو زندانی سابق، جیسن سفیدپوست و کریس سیاه‌پوست، شروع می‌شود و سپس به سال ۲۰۰۰ می‌رود زمانی که جیسن و کریس و مادرانشان تریسی و سینتیا و زن دیگری به نام جسی آمریکایی ایتالیایی تبار کارگران کارخانه فولاد اولستد و دوستان صمیمی یکدیگر محسوب می‌شوند. آنها همیشه در بار ۴۷ ی دورهم جمع می‌شوند، می‌نوشند و ایام فراغتی را در کنار یکدیگر می‌گذرانند. باری که استن آمریکایی آلمانی تبار بارمن ۴۸ آن و از کارگران سابق کارخانه اولستد است که طی حادثه‌ای در کارخانه دچار معلولیتی در پا شده است. اسکار نیز پیشخدمت کلمبیایی -آمریکایی این بار و تنها فرد لاتین تبار این نمایش است. پس از قرارداد نفتا که امکان برون‌سپاری را برای مدیران کارخانه‌ها فراهم کرده است، بسیاری از کارخانه‌ها در محله ردینگ به تعطیلی کشانده شده و برخی تعدیل نیرو کرده‌اند. کارگرها نیز در مقابل اعتصاب‌ها و اعتراض‌های خود با تهدید کارخانه به کاهش دستمزد و اخراج از کار مواجه شده‌اند. بروسی، پدر کریس، نیز از کار در کارخانه نساجی تعلیق شده است، به اعتیاد روی آورده و زندگی زناشویی خود با سینتیا را نیز از دست رفته می‌بیند. پس از مدتی اتفاق‌های کارخانه نساجی برای کارخانه

بی‌صدا برای بقا و جست‌وجوی خوشبختی شخصی در میان افرادی می‌داند که در حاشیه جامعه و فرای آن زندگی می‌کنند. باکنر معتقد است قلب دراماتورژی ناتج در پرداختن ظریف و دقیق به داستان‌های پیچیده است. جایی که شخصیت‌ها نه خیر محض و نه شر مطلق هستند بلکه مانند افرادی شجاع برای بهبود زندگی خود تلاش می‌کنند (Buckner, 2016).

ساندرا جی‌شانون<sup>۴۴</sup> در مقاله خود با عنوان «نگاهی موشکافانه به نمایشنامه‌های لین ناتج»<sup>۴۵</sup> (۲۰۰۷) پنج تم تکرارشونده را برجسته کرده است که به باور او هر اثر ناتج بر یک یا چند تعداد از این موضوع‌ها متمرکز است:

- احیاء صداهایی از تاریخ: تأکید بر بازیابی تاریخ گمشده یا سرکوب شده زنان آفریقایی آمریکایی.

- کشف سکوت بین خطوط (و گفت‌وگوها)<sup>۴۶</sup>: جست‌وجو معانی نهفته در رفتارها و سکنت افراد حاشیه‌نشین که به‌خاطر شرایط تاریخی و اجتماعی خود قادر به بیان مستقیم احساسات، اندیشه و افکار خود نبودند.

- تعریف زنان سیاه‌پوست از زبان خودشان: پیدا کردن روایت‌های واقعی زنان آسیب‌دیده و سرکوب شده.

- نژاد، چندفرهنگی و تنوع: ناتج امیدوار است که از مرزهای فرهنگی عبور کند و مجاز به استفاده از جنبه‌های مختلف وجودی خود باشد. جنبه‌هایی که ممکن است در یک مرد سفیدپوست یا یک زن آسیایی و یا لاتین ظاهر شود.

- فرار از واقعیت: برخی از آثار وی در منطقه‌ای خاکستری میان فانتزی و واقعیت قرار می‌گیرد (Shannon, 2007).

از ویژگی‌ها و مضامین تکرارشونده و همچنین سوژه‌های موردعلاقه ناتج آشکار می‌شود که نظریه اینترسکشنلیتی، منظر و لنزی بسیار مناسب برای کشف و بررسی نمایشنامه‌های اوست. تکرار و شباهت

بداند خبرهایی مانند کاهش میانگین صنعتی داوجونز (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۱)، مناظره‌ها و تبلیغات سیاسی برای به‌دست‌آوردن کرسی‌های ریاست‌جمهوری (ناتج، ۱۴۰۰: ۹۸) و یا قرار گرفتن آهنگ زنان مجرد بیانسه در صدر محبوب‌ترین آهنگ‌ها (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۲۲) چه ارتباطی با وقایع زندگی کارگران و شخصیت‌های نمایشی دارد که او به تماشا/خواندن آن مشغول است. همان‌طور که در چارچوب نظری درباره‌ی ایده زمینۀ اجتماعی آمد، در همین راستا اخبار کمک می‌کند که نمایشنامه ناتج زمینه‌مند شود و بازنمایی شخصیت‌های نمایشنامه عرق به بازنمایی نمایندۀ حقیقی خود یعنی جامعه کارگران چندفرهنگی در زمان (۲۰۰۰ الی ۲۰۰۸) و مکان (محلۀ ردینگ) مشخص نزدیک شود و ارتباط و تأثیر متقابل این زمان و مکان با هویت‌های جمعی و فردی شخصیت‌های نمایش آشکار گردد و از آنجا به موقعیت افراد بیشتری در جهان واقعی بسط پیدا کند.

### نابرابری و روابط قدرت

سطوح مختلف قدرت نیز از دل اخبار به نمایشنامه عرق نفوذ می‌کنند و نشانگری برای درام لایه‌بندی شدۀ ناتج است. ناتج نشان می‌دهد چگونه نابرابری درون حوزه‌های درهم‌تنیدۀ قدرت مثل «ساختاری، هژمونیک»<sup>۴۹</sup> یا فرهنگی، انضباطی<sup>۵۰</sup> و بین‌فردی<sup>۵۱</sup> (Colt 2000, 18) شکل می‌گیرند و هویت‌های چندگانه شخصیت‌های نمایش را به طریق مختلف به حاشیه می‌رانند.

در اخبار کاهش میانگین صنعتی داوجونز و سال ۲۰۰۸ برای مخاطب آشنا به تاریخ اقتصادی ایالت متحده یادآور رکود بزرگ است که در وضعیت کریس و جیسن به‌عنوان زندانیان سابق در صحنۀ اول به شکلی ویژه در تقلاهای آنها برای کار و زندگی بهتر مؤثر است. اشاره کریس به وجود سؤال مزخرفی که مثل سیم‌خاردار می‌ماند (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۱) ارجاع به سؤال مرسوم

اولستد نیز از راه می‌رسند و این اتفاق‌ها روابط دوستانۀ شخصیت‌های نمایش را در بوته آزمایش قرار می‌دهند. این تنش‌ها درحالی افزایش پیدا می‌کند که کمی پیش از شروع اخراج‌ها در کارخانۀ اولستد، سینتیا برای پستی مدیریتی در کارخانه پذیرفته می‌شود و تریسی این ارتقاء که خود نیز برای آن درخواست داده بود را در نتیجه سیاست‌های حمایتی از اقلیت نژادی می‌داند. اوج تنش زمانی رخ می‌دهد که در مقابل اعتراض و اعتصاب کارگران، کارخانه به استخدام افراد لاتین‌تبار روی می‌آورد. اسکار برای پستی در کارخانه اولستد درخواست می‌دهد و درنهایت صف اعتصاب را می‌شکند. همین موضوع به درگیری بین جیسن، کریس و اسکار دامن می‌زند که در نتیجه این دعوا جیسن با چوب بیس‌بال به‌صورت اتفاقی به سر استن ضربه می‌زند. استن ضربه مغزی شده و معلولیتی شدید گریبان‌گیرش می‌شود و کریس و جیسن به زندان می‌افتند. در صحنۀ پایانی نمایشنامه پس از هشت سال و پس از آزادی کریس و جیسن از زندان، آنها با اسکار و استن که از معلولیتی شدید رنج می‌برد در محیط همان بار همیشگی به‌شکلی معذب در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند درحالی‌که ریسمان پیوند میان‌شان گسسته شده و به اتفاق هم منتظر لحظه بعدند.

### اینترسکشنیلیتی و نمایشنامه عرق اخبار و زمینۀ اجتماعی

ناتج هر صحنه از نمایشنامه عرق را با تیتراهای خبری مرتبط شروع می‌کند و این ایده نمایشنامه را در ارتباط با رویدادهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گسترده‌تر قرار می‌دهد. آوردن مجموعه‌ای از خبرها که از حوزه‌های مختلف انتخاب می‌شوند، جست‌وجوی کنجکاوانه مخاطب برای یافتن نحوه ارتباط خبر ذکر شده با وقایع صحنه رادری دارد. به عبارتی دیگر مخاطب تیزبین می‌خواهد

ظریفی از تولید نابرابری اینترسکشنل در حوزه قدرت هژمونیک یا فرهنگی است. مضمون آهنگ زنان مجرد بیانسه-خواننده‌ای با پدر آمریکایی آفریقایی‌تبار- با توجه به متن شعر می‌تواند بر دو امر دلالت نماید: اول عدم تعهد مردان در رابطه و ندادن درخواست ازدواج و دوم بی‌قدرت ساختن زنان و وابسته کردن آنها در زندگی به مردان. این خبر در ارتباط با شرایط کریس و دوست دخترش معنا پیدا می‌کند؛ کریس شکست خود در ارتباط عاشقانه‌اش را به بیکار شدن و درآمد مالی خود نسبت می‌دهد؛ نگه داشتنش از عهدهٔ یه مرد بیکار برنمی‌اومد. تا حقوق داشتیم و چیزهای قشگ برایش می‌خریدم و خرجش می‌کردم خوشحال بود، اما تا ازش خواستم بیست دلار قرض بده بنزین بزنم یه جوری رفتار کرد انگار ارث باباشو بالا کشیدیم (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۲۶). او بالعکس کلیشه‌ای که به‌عنوان مردی سیاه‌پوست از او در رسانه درحال ساخته شدن است فردی غیر مسئول نیست بلکه شرایط شغلی و پیامدهای اقتصادی و تبعیض‌های مختلف او را از داشتن یک رابطهٔ عاطفی موفق دور ساخته است. رابطه‌ای که البته خود از شرایطی متأثر است که تبعیض‌های جنسیتی و نژادی در وهلهٔ اول زنان را بی‌قدرت ساخته و آنها را برای پیشبرد زندگی و داشتن شرایط مالی مناسب به مردان وابسته کرده است. کلیشهٔ مردان نامسئول درحالی در رسانه در مورد مردان سیاه‌پوستی مثل کریس تولید و تقویت می‌شود که از تبعیض‌های موجود در زندگی‌شان سخنی به میان نمی‌آید. تبعیض‌هایی که در مرحلهٔ اول آنها را کار بی‌کار کرده و به طبقه‌ای ضعیف و تحت ستم کشانده است.

#### طبقهٔ کارگر، امنیت شغلی و وضعیت سلامتی

وضعیت سلامتی یکی از مواردی است که ناتج به شکل ویژه‌ای در ترسیم و بازنمایی شخصیت‌های کارگر آن را اینترسکشنل نشان داده است. حضور مکرر جسی در حالت

سوءپیشینه در فرم‌های استخدامی است که مشکلی ساختاری را در راستای همین تلاش آشکار می‌کند و مشکلاتش در ارتباط با آدم‌ها که می‌گوید: قبل از زندان سروکله زدن باهاشون آسون بود (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۸) می‌تواند اشاره‌ای به وضعیت وی در حوزهٔ بین‌فردی باشد.

نژادپرستی نیز به‌عنوان اولین تبعیضی که به شکلی واضح در ابتدای نمایشنامه با تئوهای نژادپرستانه جیسن مطرح می‌شود با حوزهٔ انضباطی پیوند پیدا می‌کند. زندان که باید عاملی برای سامان‌دادن امور اجتماع باشد، تفکیک‌های نژادی را تولید و تقویت می‌کند که زندانیان را در شرایطی خطرناک قرار می‌دهد. ایوان به جیسن در حالی در مورد دردسرساز بودن تئوهای هشدار می‌دهد که قبل از آن به قدرت‌بخشی آنها در محیط زندان اشاره می‌کند؛ شاید اون تو به درد بخوره، بهت قدرت بده (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۶) و حالا همین تئوها جیسن را در وضعیتی خطرناک برای گیرافتادن در درگیری مشابه پایان نمایشنامه با اسکار قرار می‌دهد که نژادپرستی بی‌شک یکی از نیروهای مرتبط با آن است. خشم ایوان از تئوهای جیسن پرده از خشونت‌های برمی‌دارد که حول جیسن چرخ می‌زند: هر بار که چشمم می‌افته به‌شون، به زور خودمون نگه می‌دارم که با مشت نیام تو صورتت (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۶) قدرت‌بخشی تئوها در محیط زندان نیز نشان‌دهندهٔ تبعیض اینترسکشنیلیتی است که کریس به‌عنوان زندانی سیاه‌پوست تجربه کرده است. تئوهای جیسن برای کریس خالکوبی بزرگ نکبتی (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۹) است که درگیری‌های وی با مسائل تفکیک‌نژادی در زندان را یادآوری می‌کند؛ اون تو هم باید با همین شر و ورها سروکله می‌زدم. می‌دونی، با نژاد آریایی و از همین مزخرفات. (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۹)

در جای دیگری از نمایشنامه خبر قرار گرفتن آهنگ زنان مجرد بیانسه در صدر محبوب‌ترین آهنگ‌ها (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۲۲) مثال قابل‌توجه و

خاک سیاه نشست (ناتج، ۱۴۰۰: ۲۷) از دست دادن کار برای بروسی به قیمت از دست دادن سلامتی-اعتیاد-، خانواده و به نحوی ارتباط‌های اجتماعی‌اش تمام شده است.

در چنین شرایطی قراردادهای در سطوح بالای قدرت مثل نفتا- قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی- از دست رفتن هویت کارگری را که به سختی به دست آمده به آسانی و به مدت گذر شیبی ممکن می‌کند، استن درباره تأثیر نفتا می‌گوید: شاید همین فردا که از خواب پاشدین، کارهاتونو برده باشن مکزیک یا به جای دیگه. همه‌ش هم سر قانون‌های مزخرف «نفتا»ست (ناتج، ۱۴۰۰: ۳۰). از طرفی نداشتن حس امنیت شغلی و از سمت دیگر شغل خطرناک کارگران صنعتی به دو شیوه مختلف روان و جسم کارگران را هدف قرار می‌دهد.

#### جنسیت‌گرایی، نژادپرستی و تبعیض طبقاتی

تبعیض‌های حول سه هویت جنسیت، طبقه و نژاد پرتکرارترین موضوعات تنش‌های موجود در نمایشنامه عرق است. اگرچه همه شخصیت‌های نمایش متولد برکس کانتی، پنسیلوانیا<sup>۵۳</sup> هستند اما همه آنها از نسل‌های مهاجرینی هستند که ملیتی دوگانه دارند. لاتین‌هایی مثل اسکار به نسبت تریسی نسل‌های بعدی و جدیدتر مهاجرین به منطقه ردینگ به حساب می‌آیند. همین موضوع و وضعیت اقتصادی ضعیف‌شان، آنها را تبدیل به تهدیدی بالقوه برای کارگران پیشین کرده است چراکه به دست آوردن شغلی در کارخانه برای لاتین‌ها نوعی ترقی محسوب شده و آنها حاضرند با حقوق‌های کمتر جایگزین کارگرهای کارخانه از نژادهای دیگر شوند. تریسی در طول نمایش با اسکار رفتاری خصمانه دارد و همواره این رفتار خصمانه با نژاد اسکار گره می‌خورد، این درحالی است که بهترین و قدیمی‌ترین دوستش سینتیای سیاه‌پوست است و این موضوع هر نظری درباره نژادپرستی ایدئولوژیک

سرخوشی بعد از کار در محل بار که بیهوش سرش را روی میز گذاشته و ولو شده (ناتج، ۱۴۰۰: ۲۲) می‌تواند نشانه‌ای بر این باشد که کارگران برای نوعی فرار (احتمالاً خودویرانگر) از فشار کاری زیاد به بار می‌آیند.

توهین‌های تبعیض‌آمیز جسی درحالت مستی به استن با واژه‌های مثل «چلاق» که ناراحتی استن را در پی دارد، وضعیت استن را نیز مشخص می‌کند. مردی که تجربه زندگی به‌عنوان کارگر سابق با وضعیت سلامت جسمی - معلولیت - درهم‌تنیده شده است. همچنین دیگر شخصیت‌ها نیز از نگرانی مشترکی برای قرار گرفتن احتمالی‌شان در وضعیتی مشابه استن رنج می‌برند. وقتی جسی از سینتیای می‌خواهد که پیاله‌ای دیگر را به مناسبت تولدش بنوشد، سینتیای می‌گوید: ولی اگر انگشتم زیر دستگاه قطع بشه مقصرش تویی‌ها (ناتج، ۱۴۰۰: ۲۵). سینتیای در توجیه درخواستی که برای جایگاه شغلی مدیریت داده است نیز به سلامت جسمانی تحلیل رفته‌اش اشاره می‌کند: بدن من روز به روز داره تحلیل می‌ره (ناتج، ۱۴۰۰: ۳۶). این درحالی است که کارفرمایان در شرایطی نابرابر به روایت سینتیای از درآمد بالاتر، هیجان بیشتر، تعطیلات طولانی‌تر و کار کمتر (ناتج، ۱۴۰۰: ۳۶) سود می‌برند و در نگاهی موازی می‌توان وضعیت سلامتی بهتری را نیز برای آنها متصور بود.

تنها داشتن هویت کارگری سلامت این شخصیت‌ها را تهدید نمی‌کند؛ بلکه نداشتن و از دست دادن این وجه هویتی از آن هم بدتر است و می‌تواند آنها را به فروپاشی کامل روانی برساند. کارگرانی که سال‌های متمادی و طولانی نسل در نسل در کارخانه کار کرده‌اند با از دست دادن شغلشان به پوچی مطلق می‌رسند. به عبارتی دیگر گرفتن شغل از آنها معنای زندگی‌شان را نیز می‌ستاند. سینتیای در جایی از نمایش در مورد شوهرش بروسی می‌گوید: وقتی کارخونه از کار معلقش کرد به

می‌آیند با این حال تریسی هنوز هم رفاقت خود با سینتیا را به یاد می‌آورد؛ اون لحظه فکر کردم: هی، اون رفیق منه. عجب رفیق گردن‌کلفتی دارم (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۰۶) و به اسکار نیز در حالی ظاهراً خصمانه سیگار می‌دهد؛ بالاخره خشم تریسی کمی فروکش می‌کند و سیگاری به او [اسکار] می‌دهد (ناتج، ۱۴۰۰: ۶۶) تریسی انسان شری نیست بلکه جمله‌های توهین‌آمیز نژادی او برآمده از قدرت‌ها و سیاست‌ها و تبعیض‌های اینترسکشنیلیتی است که شرایط اسفناک زندگی کارگری را بر او تحمیل ساخته است.

### تحصیلات و تأثیر آن در نظام طبقاتی

یکی از دلایلی که کریس تصمیم به ادامه تحصیل می‌گیرد نگرانی‌اش از آمدن کلاه‌سفیدها به کارخانه و پیشرفت تکنولوژی به طریقی است که هر لحظه امکان جایگزینی کار سخت کارگران را با ماشین‌های پیشرفته‌تر ممکن می‌کند. او می‌گوید: خوب اون‌ها الان فقط با یه دکمه کارشونو انجام می‌دن، بوپ، و همین جایگزین همه ما می‌شه. بوپ. بوپ (ناتج، ۱۴۰۰: ۴۵). از سمت دیگر خرج تحصیلات با وضع اقتصادی کارگرانی مثل کریس هم‌خوانی ندارد؛ برنامه‌ام اینه که دو شیفته کار کنم، بلکه بتونم یه کم پول برای شهریه بذارم کنار (ناتج، ۱۴۰۰: ۴۲). در شرایط اقتصادی کریس رها کردن شغل کارگری برای شغل دبیری نیز ریسک بزرگی حساب می‌شود. تبعیض‌های طبقاتی که جامعه کارگر اولستد با آن روبه‌رو هستند و وابستگی آنها به شغل‌شان برای رفع نیازهای زندگی روزانه باعث محرومیت آنها از فرصت‌آموزشی برابری می‌شود که با پیشرفت جامعه تبدیل به ویژگی رقابتی نیروی کار خواهد شد. رقابتی که در نهایت فرصت‌های شغلی‌شان را محدودتر کرده و تبعیض طبقاتی را بر علیه آنها تشدید می‌کند و این‌گونه وضعیت تحصیلی نیز به فرودستی اینترسکشنیلیتی برای این کارگران تبدیل می‌شود.

و خالص در وجود تریسی را از اعتبار می‌اندازد. با وجود این، پس از ارتقاء سینتیا به جایگاه مدیریت، تفکیک‌های نژادی بین او و سینتیا نیز پررنگ می‌شود. تریسی در این زمان ارتقاء سینتیا را به نژادش نسبت می‌دهد: آره شرط می‌بندم اون‌ها دنبال یه نفر از اقلیت بودن. من تعصب ندارم ولی داستان اینه که این روزها اوضاع اینجوریه دیگه. خر که نیستم. با این کارشون معافیت مالیاتی و از این جور چیزها می‌گیرن (ناتج، ۱۴۰۰: ۶۵). از طرف دیگر تریسی در گفت‌وگوی با اسکار از تبعیض جنسیتی پرده برمی‌دارد که در محل کار با آن مواجه بوده است و دلیل عدم ارتقاء خود را ناشی از آن می‌داند: فقط به این خاطر شغلو به من ندادن که باتز به من نظر داشت ولی من محل نادم. اون هم رفت تو بخش مدیریت چو انداخت که من سر به هوام. من سر به هوا نیستم (ناتج، ۱۴۰۰: ۶۵). تریسی در سطحی بین‌فردی و در لحظه ارتقای سینتیا فاقد این درک انتقادی است که نژاد سینتیا هیچ‌وقت عاملی بر برتری او نبوده است حتی اگر مورد سوءاستفاده صاحبان قدرت قرار بگیرد. تریسی با زیر سؤال بردن شایستگی‌های دوست صمیمی‌اش سینتیا که منطبق بر حقیقت نیست، درست به همان طریقی تبعیض نژادی را بر سینتیا تحمیل می‌کند که تبعیض جنسیتی بر او اعمال شده است. جسی در این باره می‌گوید: تریسی راه‌افتاده تو شهر چو انداخته سینتیا رو به خاطر رنگ پوستش انتخاب کردن. دو ماه پیش اصلاً این‌طور نبود (ناتج، ۱۴۰۰: ۶۹).

ناتج با شخصیت‌پردازی اینترسکشنیلیتی نشان می‌دهد نژادپرستی تریسی بیشتر از اینکه برآمده از نوعی ایدئولوژی برتری سفید باشد با شرایط طبقاتی و جنسیتی و عاطفی او گره خورده است. سینتیا به طبقه مدیریت رفته است و گویی دیگر هم‌سرنوشت با او نیست و لاتین‌هایی مثل اسکار نیز تهدیدی بالقوه برای شغل و جایگاه اجتماعی او به حساب

## زن سیاه پوست: نژاد و جنسیت

یکی از آشکارترین مضامین مرتبط با هم‌افزایی جنسیت و نژاد در روایت سینتیا از درگیری‌اش با همسرش برجسته می‌شود. سینتیا روایت می‌کند که بروسی بعد از اینکه در وضعیت اعتیاد به شیوه‌های اغواگرایانه او را مجاب کرده تا به خانه بازگردد در شب کریسمس از او دزدی می‌کند. هفته بعد نیز وقتی با حالتی نشئه به خانه بازمی‌گردد با سینتیا درگیر می‌شود و با آمدن پلیس، بی‌آنکه از سینتیا عملی مجرمانه دست بزند خود او دستگیر می‌شود: درگیر شدیم. پلیس اومد، از پشت بهم دستبند زد، ازم عکس و اثر انگشت گرفت، به جرم هرج و مرج و خشونت تو خونه خراب شده خودم (ناتج، ۱۴۰۰: ۲۷). در طول نمایشنامه ما شاهد این هستیم که سینتیا و بروسی، هر دو با تبعیض نژادی مواجه هستند. مثلاً بروسی نیز برای استن از مواجه‌ش با کارگری سفیدپوست می‌گوید که در اتحادیه به خاطر نژادش او را دزد موقعیت شغلی‌اش می‌خواند: [...] یه یارو سفیدپوست پیری اومد تو صورتم گفت ما موقعیت شغلیشو گرفتیم (ناتج، ۱۴۰۰: ۵۲). اما رفتار نابرابر پلیس در جایی که به نظر می‌رسد شاکی و محق سینتیا است، نشان می‌دهد چگونه سینتیا از فرودستی اینترسکشنی رنج می‌برد که تجربه تبعیض را برای او متفاوت از تبعیض نژادی می‌کند که به‌طور مثال مردی مانند بروسی با آن روبه‌روست. بروسی حتی در وضعیت نشئه و در خانه‌ای که به او متعلق نیست از برتری جنسیتی خود بهره می‌برد حال آن‌که در تجربه سینتیا دو تبعیض جنسیتی و نژادی او را در وضعیتی فرودست‌تر از بروسی قرار می‌دهد. یادآور تضعیفی که کرنشاو درباره آن می‌نویسد: «فرودست‌سازی اینترسکشنی [...] اغلب نتیجه تحمیل باری اضافی است که در تعامل با آسیب‌پذیری‌های موجود، بعد دیگری از تضعیف را ایجاد می‌کند» (Crenshaw, 1991: 1249).

## عدالت اجتماعی: نام او را ببر تا دیده شود

مفهوم دیده‌نشدن و نامرئی بودن اینترسکشنی که به‌شکلی جدی در اینترسکشنی‌تی و جنبش‌های پیش از آن در ارجاع به تجربه زیسته زنان رنگین‌پوست استفاده می‌شد در نمایشنامه عرق بیشتر در تجربه یک مرد جوان یعنی اسکار کلمبیایی آمریکایی نمود می‌یابد. ناتج با توضیح‌های صحنه از همان ابتدای نمایش بر عدم توجه دیگر شخصیت‌ها به اسکار تأکید می‌کند: غیر از استن هیچ‌کس به او اعتنا نمی‌کند (ناتج، ۱۴۰۰: ۲۵) یا اسکار حضوری بی‌صدا اما مشخص در صحنه دارد (ناتج، ۱۴۰۰: ۴۰). پیش از این ذکرش آمد که تبعیض علیه اسکار همواره به نژاد او گره می‌خورد اما عدم اعتنای شخصیت‌های سیاه‌پوست به اسکار نیز این اندیشه را به ذهن متبادر می‌کند که تجربه او از تبعیض نژادی باید تجربه‌ای متفاوت از دیگر شخصیت‌ها از نژاد اقلیت باشد.

همبستگی سینتیا و تریسی و دوستی خانوادگی‌شان به نوعی قدمت اشاره می‌کند که چنین دوستی دیرینه‌ای را ساخته است. قدمتی که می‌تواند دلیلی بر وجود تبعیض‌هایی چون بومی‌گرایی<sup>۳۳</sup> و بیگانه‌هراسی<sup>۳۴</sup> باشد که به‌شکلی مستقیم بر لاتین‌هایی مثل اسکار تأثیر می‌گذارد. برای همین شاید تریسی در گفت‌وگو با اسکار گمان می‌برد او در آن‌جا به دنیا نیامده است چون نمی‌تواند او را مانند یک بومی ببیند یا حتی خاطره به یاد آوردن پدر بزرگ آلمانی‌اش در شهر را با اشاره به قدمت حضور خود برای اسکار نقل می‌کند: خانواده من خیلی وقته این‌جان (ناتج، ۱۴۰۰: ۶۶). این همان دیدگاهی است که تکرارش را نیز در مواجهه بروسی با تبعیض برتری سفید می‌توان دید: انگار منو تازه با کشتی از آفریقا آورده‌ن (ناتج، ۱۴۰۰: ۵۲). دستاویز بروسی برای اینکه خود را لایق تبعیض نژادی نداند که در اتحادیه با آن مواجه شده است، زمان حضورش در این منطقه است.

حرومزاده. اسکار از بدبختی تو پولدار نمی‌شه (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۳۰ و ۱۳۱). حمایتی که در رفع درگیری مؤثر نیست تا به‌شکلی اتفاقی ضربه‌ای به سر استن، جیسن و کریس را به زندان فرستاده و خودش را با ضربه مهلکی مواجه کند.

در صحنه پایانی و هشت سال بعد از این کریس و جیسن هرکدام به‌نحوی اسکار را می‌بینند. جیسن حتی با تئوهای برتری سفید که یادگار زندان است و ابتدا اسکار را می‌ترساند، از او به‌خاطر مراقبت از استن قدردانی می‌کند: دمت گرم که ازش مراقبت می‌کنی (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۴۲) و کریس نام اسکار را صدا می‌زند که واکنش ظریف اسکار را در پی دارد: نمی‌دونستم اسممو می‌دونی (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۴۰).

واکنش اسکار شباهت بسیاری به کوشش کرنشاو در راه‌اندازی جنبش اجتماعی نام او (زن) را بر<sup>۵۵</sup> دارد که بر مفهوم اینترسکشنیلیتی بنا شده است تا روایت‌های نامرئی خشونت پلیس علیه زنان رنگین‌پوست را آشکار سازد. کرنشاو درباره نام‌گذاری این جنبش می‌نویسد: «اگر نام او را بریدی، ترغیب می‌شوی تا داستانش را بدانی و اگر داستانش را بدانی، درک وسیع‌تری از تمام راه‌هایی پیدا می‌کنی که از طریق آن زندگی‌های سیاه‌پوستان در برابر خشونت پلیس آسیب‌پذیر می‌شوند» (Crenshaw, 2018).

لین ناتج با درک این موضوع که مکان و زمانی که روایتش می‌کند، تجربه لاتین بودن می‌تواند حتی بیشتر از سیاه‌پوست بودن حاشیه‌نشینی، دیده‌نشدن اینترسکشنل و فراموشی تجربه را به همراه داشته باشد، در نمایشنامه عرق این مسئله و مفهوم مهم اینترسکشنیلیتی را در شخصیت‌پردازی اسکار پررنگ می‌کند و بر تبعیض‌های نامرئی او در نتیجه قرارگرفتنش در سایه‌های تبعیض، نور می‌تاباند. همچنین اهمیت و مهلک بودن ندیدن این تبعیض‌ها و عدم همدلی بین‌فردی را با مهم‌ترین اتفاق نمایش یعنی درگیری که بر

تبعیض بیگانه‌هراسی نیز در نمایشنامه با مسائل اقتصادی و تبعیض‌های حول آن گره می‌خورد. در اصل این بیرون بودن اسکار از جامعه کارگران صنعتی است که به‌همان اندازه تصویر او را در نقش مهاجر و بیگانه ثبت می‌کند و منجر می‌شود تریسی و بروسی چشم‌های خود را بر دیدن تقلای مشابه و حتی گاهی سخت‌تر نسل‌های لاتین در جامعه ردینگ ببندند. اسکار در مورد چنین تقلایی از تجربه پدرش می‌گوید: بابام تو یه کارخونه مثل اولستد جاروکش بود. حرومزاده‌ها حتی به‌ش کارت اتحادیه هم ندادن. اما اون هر روز ساعت چهار صبح از خواب پا می‌شد، چون به شغلش تو کارخونه فولاد احتیاج داشت (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۱۸).

شکستن صف‌های اعتصاب توسط کارگران غالباً لاتین از طرفی برای وضع اقتصادی بدتر آنها صورت می‌پذیرد و از طرف دیگر در نتیجه بیگانه‌هراسی شکل می‌گیرد که لاتین‌ها را در تجربه مشترک و همبستگی بین جامعه صنعتی این منطقه دخیل نکرده است. اسکار زمانی که حتی حمایت استن را به‌نحوی برای شکستن صف اعتصاب کارخانه اولستد از دست می‌دهد در بیرونی‌ریزی احساسی از دیده‌نشدن خود پیش او شکایت می‌کند: [...] آدم‌ها هر روز می‌آن اینجا، از کنار رد می‌شن بدون اینکه منو ببینن. نه «سلام اسکار»ی نه چیزی. اگه اون‌ها منو نمی‌بینن، چرا من باید اون‌ها رو ببینم؟ (ناتج، ۱۴۰۰: ۱۱۸)

در نتیجه همین ندیدن‌هاست که صحنه اوج نمایشنامه رخ می‌دهد و وقتی خشم دیگر شخصیت‌ها بر سر اسکار آوار می‌شود، استن تنها شخصیتی است که می‌خواهد سایر شخصیت‌ها متوجه تقلای مشابه اسکار شوند و مقصران سیستماتیک وضع کنونی را در سطح دیگری از قدرت شناسایی کنند: چی از جونش می‌خوای؟ ها؟ تقصیر اون نیست. می‌خوای حرف بزنی؟ برو با اولستد حرف بز. با همپالکی‌های بی‌شرفش. با وال‌استریت

علیه اسکار شکل می‌گیرد و نتیجه سهمگین آن برجسته می‌سازد.

### نتیجه‌گیری

نظریهٔ اینترسکشنلیتی براساس این اصل بدیهی اما غالباً مورد غفلت بنیان می‌گیرد که تجربهٔ انسانی نه با یک عامل هویتی منفرد نظیر جنسیت، طبقه، نژاد، مذهب، تحصیلات و مواردی از این دست بلکه در تعامل و تأثیرگذاری متقابلاً هم‌بستهٔ این عوامل شکل می‌گیرد. عواملی که خود در دل جامعه‌ای نابرابر می‌توانند برای افراد تبعیض‌هایی منحصربه‌فرد، هم‌بسته و اینترسکشنل را به‌وجود آورند که نمی‌شود آنها را به تجربهٔ تبعیض‌های منفردی نظیر تبعیض فقط-جنسیتی یا فقط-نژادی تقلیل داد.

کیمبرلی کرنش‌او مبدع نظریهٔ اینترسکشنلیتی تلاش کرد با ارائهٔ اینترسکشنلیتی به‌عنوان چارچوبی نظری و رهیافتی عملی زنان رنگین‌پوست را از حاشیه‌های بی‌توجهی بیرون بکشد و بر تجربهٔ خاموش آنها از تبعیض‌های اینترسکشنل نور بتاباند. با وجود ابداع نظریهٔ اینترسکشنلیتی توسط کرنش‌او، ریشه‌های این نظریه را می‌شود در جریان‌ها و جنبش‌های اجتماعی زنان رنگین‌پوست پیش از او و موسوم به موج سوم فمینیسم نیز پی‌گیری نمود. ولی پس از آثار روشنگر کرنش‌او بود که ایده‌ها و مفاهیم اینترسکشنلیتی توسط بسیاری از پژوهشگران توسعه و گسترش یافت و همین امر موجب بسط میان‌رشته‌ای اینترسکشنلیتی به‌عنوان ابزاری تحلیلی و اکتشافی برای تحلیل پیچیدگی‌های جهان و تجربه‌های انسانی شد. استفاده از اینترسکشنلیتی برای تحلیل متون دراماتیک نیز کاربردی در همین راستا و به همین منظور دارد. اینترسکشنلیتی به‌ویژه در دستهٔ تئاترهای مستند و شبه‌مستندی که به تبعیض‌های پیرامون جهان نگاه چندمحوری

دارند، چارچوب و لنزی برای تحلیل و نقد درام‌های تبعیض‌نگار لایه‌ای و پیچیده ارائه می‌دهد که از طریق آن می‌توان شخصیت‌های مختلف و کنش‌های نمایشی‌شان را به‌مثابه بازنمایی حقیقت‌محور از افراد جهان واقع مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد.

لین ناتج در نمایشنامهٔ عرق به منطقهٔ برکس در ایالت پنسیلوانیا رفته است و در این نمایشنامه زندگی طبقهٔ کارگر و تقلای آنها را در درام خود منعکس کرده است. ناتج در ابتدا با هویت‌های گروهی یکسان شروع می‌کند. در نمایشنامهٔ عرق همه شخصیت‌ها را متولد برکس، پنسیلوانیا معرفی می‌کند و اکثر شخصیت‌های اصلی، کارگران کارخانهٔ اولستد هستند. بعد نکته دیگری مانند چندفرهنگی بودن شخصیت‌ها و تفاوت نژادی آنها به این گروه یکسان افزوده می‌شود. از همین رو می‌توان ادعا کرد آغاز پیچیدگی درام ناتج در نمایشنامهٔ عرق و نزدیک شدن او به دیدی اینترسکشنل از دل همین چندفرهنگی آغاز می‌شود.

در نمایشنامهٔ عرق بارها ایده‌های اصلی اینترسکشنلیتی ظاهر می‌شود. تبعیض‌های جنسیتی، نژادی و طبقاتی در تجربهٔ شخصیت‌های متفاوت نمایش از لحاظ نژاد و جنسیت درهم‌تنیده می‌شوند و نابرابری و تبعیض‌های موجود در نمایشنامه به‌ندرت ناشی از یک عامل هویتی روایت می‌شوند. ناتج در گروه یکسان طبقهٔ کارگران با ساختن هویت‌های چندگانه تجربه‌های منحصربه‌فرد شخصیت‌های نمایش را از تبعیض‌های اینترسکشنل پررنگ می‌سازد و ضمن زمینه‌مند کردن درام خود در دوران پساصنعتی آمریکا آن را به مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کلان‌تر پیوند می‌زند و نقش قدرت را نیز در سطوح مختلف با آوردن اخباری مرتبط با وقایع صحنه برجسته می‌سازد. گویی نمایشنامه‌نویس در جایگاه پژوهشگری

و اکتشافی در درام‌هایی با محوریت تبعیض در جوامع غیرهمگن بدل می‌کند. به این ترتیب که پژوهشگر می‌تواند هر بار که با تبعیضی مواجه است، درام را برای ارتباط این تبعیض با دیگر تبعیض‌های موجود در جامعه و ارتباط این تبعیض‌های درهم‌تنیده با ویژگی‌های هویتی برتری‌بخش و فرودست‌سازی که برای شخصیت مورد نظر به‌طور هم‌زمان وجود دارد، جست‌وجو کند و نمودهای این نحوه نگرش به تبعیض را به‌عنوان نگاهی عمیق و پیچیده گزارش کرده و نگاهی تک‌محوری را مانند نوعی سطحی‌نگری گوشزد کند.

در نهایت نظر به شرایط ویژه جغرافیای ایران با قومیت‌ها، مذاهب و ادیان گوناگون و همچنین اهمیت نابرابری‌های جنسیتی، قومیتی و طبقاتی در سطوح خرد و کلان که بسیاری از تنش‌های موجود در جامعه را شکل می‌دهد و جرقه بسیاری از اعتراض‌ها، بحث‌ها و جنبش‌های اجتماعی نیز بوده است و با توجه به این گزاره که جامعه ایرانی را نه یک اکثریت مطلق بلکه جمع متکثری از اقلیت‌ها شکل می‌دهد به نظر می‌رسد نظریه اینترسکشنلیتی می‌تواند دریچه‌ای جدید برای نگاه به هویت‌های چندگانه و تبعیض‌های اینترسکشنل جامعه ایرانی نیز باشد و از همین‌رو در تحلیل درام‌های فارسی نیز چه در بحث نگارش درام و چه تحلیل آن به کار گرفته شود. بدیهی است این کار مستلزم توجه و تحقیق بیشتر در زمینه‌های اجتماعی و بومی‌سازی نظریه اینترسکشنلیتی باتوجه به شرایط خاص جامعه ایرانی است.

نشسته و از آن‌جا به تجربه افراد حاشیه‌نشین جامعه‌ای حقیقی از منظر اینترسکشنلیتی پرداخته است. شخصیت‌پردازی این چنین پیچیده و چندلایه که جز از دل روابط و شبکه‌های درهم‌تنیده قابل خواندن و کشف کردن نیستند؛ نمایشنامه عرق را در فرم درامی پیچیده و غنی به واقعیت جهان نزدیک کرده است و ناتج توانسته با نزدیک کردن خود به دیدی اینترسکشنل جهان آدم‌های پیچیده و حاشیه‌نشین را همان‌طور که هست ببیند نه آن‌طور ساده و تقلیل‌یافته از لنزهای فقط-جنسیتی یا فقط-طبقاتی یا فقط-نژادی که بر روی بخشی از تجربه مهم هویتی این جامعه سایه می‌افکند و آن را در ریای فراموشی غرق می‌سازد.

اینترسکشنلیتی به‌عنوان رویکردی برای تحلیل پیچیدگی‌های جهان و در همین راستا تحلیل درام‌های پیچیده که نویسنده در آن نگاهی همه‌جانبه به ابعاد زندگی اجتماعی انسان‌ها و تبعیض‌های آنها داشته است، می‌تواند انتخاب مناسبی برای کشف لایه‌های عمیق‌تر درام‌هایی از این دست باشد که طرح آنها در جغرافیاهای چندفرهنگی می‌گذرد. اقوام، مذاهب، ادیان و تفاوت‌هایی که در عقاید، باورها و رسوم گروه‌های گوناگون مردم وجود دارد و برتری‌ها و فرودستی‌های هم‌زمان مرتبط با دیگر ویژگی‌های هویتی چون سن، جنسیت، شرایط سلامتی/معلولیت و طبقه که برای فرد فرد جامعه در سطوح بین‌فردی خرد و کلان‌تر قدرت ایجاد می‌شود، اینترسکشنلیتی را به یکی از مؤثرترین ابزار برای نگاهی انتقادی

### پی‌نوشت‌ها

1. Black Feminism
2. Critical Race Theory
3. Kimberlé Williams Crenshaw
4. Intersectionality
5. Lynn Nottage
6. Ruined
7. Sweat
8. Pulitzer
9. David B Smith
10. Intersectionality In The Dramas Of Mary Burrill, Alice Childress, And Pearl Cleage
11. Continuumjournal
12. Teun Van Dijk
13. Patrick Colm Hogan
14. By The Way, Meet Vera Stark
15. Kimberlé Williams Crenshaw
16. Demarginalizing The Intersection Of Race And Sex: A Black Feminist Critique Of Antidiscrimination Doctrine, Feminist

## Theory And Antiracist Politics

- |  |  |   |
|--|--|---|
| 17. Intersection   |  |   |
| 18. Mapping The Margins: Intersectionality, Identity Politics, And Violence Against Women Of Color |  |   |
| 19. Black Power  | 20. Chicano Liberation   | 21. Red Power                                 |
| 22. Asian-American Movements   | 23. Chicana  | 24. Combahee-River-Collective                 |
| 25. Patricia Hill Collins  | 26. Sirma Bilge  | 27. Multiple Identities                       |
| 28. Relationality  | 29. Objectification  | 30. Commodification                           |
| 31. Maureen Kentoff  | 32. Corporeality   | 33. International's Press Office Amnesty      |
| 34. Brown University   | 35. Albright College.  | 36. Juilliard                                 |
| 37. Macarthur "Genius" Fellowship  | 38. Guggenheim Foundation Fellowship For Drama And Performance Art |   |
| 39. Columbia University  | 40. Christopher Bigsby   | 41. Twenty-First Century American Playwrights |
| 42. Jocelyn Buckner  | 43. A Critical Companion To Lynn Nottage                           |   |
| 44. Sandra G Shannon,  | 45. An Intimate Look At The Plays Of Lynn Nottage                  |   |
| 46. Discovering Silencing Between The Lines  |  | 47. Bar                                       |
| 48. Barman   | 49. Hegemonic  | 50. Disciplinary                              |
| 51. Interpersonal  | 52. Berks County, Pennsylvania                                     | 53. Nativism                                  |
| 54. Xenophobia   | 55. Say Her Name   |   |

## فهرست منابع

• بیات، ساناز (۱۴۰۰)، تحلیل الگوی شناختی در برگزیده نمایشنامه‌های لین ناتج، رساله دکتری، دانشگاه شیراز.  
 • ناتج، لین (۱۴۰۰)، عرق سرد، ترجمه محمد رضا ترک تئاری، تهران: نشر نی.

- "About Lynn Nottage 2018, Contributed By: Michelle Zhong. <http://www.lynnnottage.com/about.html>.
- Bigsby, Christopher. 2017. "Lynn Nottage." In *Twenty-First Century American Playwrights*, 142-66. Cambridge: Cambridge University Press. Doi:10.1017/9781108303620.008
- Buckner, Jocelyn. 2016. "'Sustaining The Complexity' of Lynn Nottage." *A Critical Companion To Lynn Nottage*: 5-9.
- Carbado, Devon W, Kimberlé Williams Crenshaw, Vickie M Mays, And Barbara Tomlinson. 2013. "Intersectionality: Mapping The Movements Of A Theory1." *Du Bois Review: Social Science Research On Race*. 10 (2): 303-312.
- Collins, Patricia Hill, And Sirma Bilge. 2016. *Intersectionality*. Polity Press.
- Collins, Patricia Hill. 2000. *Black Feminist Thought: Knowledge, Consciousness, And The Politics Of Empowerment*. Routledge.
- Combahee River Collective. 2022[1977]. "A Black Feminist Statement." In *This Bridge Called My Back: Writings By Radical Women Of Color*, By Cherríe Moraga And Gloria Anzaldúa, 234-244. New York: State University Of New York Press.
- Crenshaw, Kimberle. (2018, December 4). *Statement: Say Her Name | The Mothers Behind The Movement — AAPF*. AAPF. <https://web.archive.org/web/20200616055531/https://aapf.org/2018/2018/12/statement-say-her-name-the-mothers-behind-the-movement>.
- Crenshaw, Kimberle. 1989. "Demarginalizing The Intersection Of Race And Sex: A Black Feminist Critique Of Antidiscrimination." *University Of Chicago Legal Forum* 141-142.
- Crenshaw, Kimberle. 1991. "Mapping The Margins: Intersectionality, Identity Politics, And Violence Against Women Of Color." *Stanford Law Review* 43 (6): 1241. <https://doi.org/10.2307/1229039>.
- Kentoff, Maureen M. 2016. Intersectional Reading. *The Pocket Instructor: Literature: 101 Exercises For The College Classroom*, 66-69. <http://assets.press.princeton.edu/chapters/fuss/S17-10620.pdf>.
- Knowles, Scott C. 2016. "A Chronology Of Lynn Nottage's Production History." In *A Critical Companion*

*ion To Lynn Nottage*, 10-16. Routledge.

- Martin, Wendy-Marie. 2022. *Feminisms In Playwriting: Radical Collaboration In The Narrative Approaches Of Suzan-Lori Parks, Paula Vogel, And Jackie Sibbles Drury*. Ohio University.
- Matsuda, Mari J. 1990. "Beside My Sister, Facing The Enemy: Legal Theory Out Of Coalition." *Stan. L. Rev.* 43: 1183.
- Smith, David B. 2015. "Intersectionality in the Dramas of Mary Burrill, Alice Childress, and Pearl Cleage", *Continuum Journal*.
- Shannon, Sandra G. 2007. "An Intimate Look At The Plays Of Lynn Nottage." In *Contemporary African American Women Playwrights*, 185-193. Routledge.
- Shields, Stephanie A. 2008. "Gender: An Intersectionality Perspective." *Sex Roles* (59): 301-311.

